

پیام کائنی:

در ابتدا فرموده بودند که بحث رسانه و نوجوان را انجام دهیم اما بحث رسانه گستردگی بسیار زیادی دارد و در این زمان اندک نمیتوان در مورد آن صحبت نمود و به نتیجه مناسبی دست یافت، به همین دلیل تصمیم گرفته شد که به بحث اینترنت پرداخته شود. شاید بتوان گفت که رابطه اینترنت و تلفن همراه به یک حد برای نوجوان جدی هستند.

مشکل اساسی که در ابتدای امر با آن مواجه بودیم این است که در مورد رابطه اینترنت و نوجوان، رابطه آنها با دین و با جلسات تربیت دینی و یا به طور کلی رابطه رسانه با دین، هیچ گونه ادبیات علمی و نظری وجود ندارد. بعد از جستجوی بسیار تنها یک کتاب در این زمینه یافته شد. ادبیات محدود موجود در ارتباط با تحدیدهای اینترنت با بهره گیری از ادبیات رسانه و خشونت و تاثیرات آن بر روی کودکان نوشته شده است. یک ادبیات گسترده و وسیعی در روانشناسی اجتماعی و ارتباطات وجود دارد که به بحث خشونت و رابطه آن با رسانه و تاثیر آن بر روی کودکان پرداخته است که میگوید هنگام مواجهه نوجوانان با رسانه، آنها تمایل به انجام رفتارهای خشونت آمیز پیدا میکنند که این مطلب کاملاً روانشناسانه است و ارتباطی با کار ما ندارد اما همین مطلب را میتوان با اینترنت مرتبط نمود.





مشاهده سایتهای هرزه نگارانه میتواند باعث تحریک مخاطب به انجام چنان خشونت‌هایی گردد که در این سایتها نوع خاصی از هرزه نگاری منظور است. برخی از موارد به طور صریح بر خشونت‌های موجود در این عمل و بر سیطره مرد بر زن به صورت خشونت آمیزی تمرکز دارد. به نظر میرسد در ارتباط نوجوان و اینترنت میتوان چهار رویکرد در نظر گرفت که البته این چهار رویکرد به هیچ عنوان رویکردهایی منطقی نمیباشند. ممکن است در میان این طیفها شما رویکردهای فراوان دیگری بیابید.

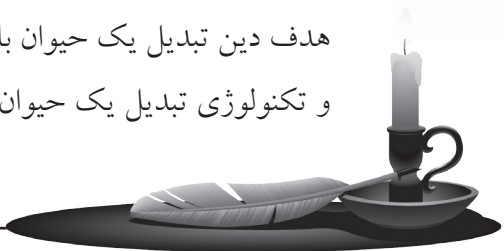
در ابتدا طیفی را طراحی نمودیم که ابتدای آن رویکردی کاملا انتقادی است که در آن رسانه‌های جمعی و به خصوص اینترنت که یک رسانه نوین است به طور کامل نفی میگردد و در مقابل رویکردی که در آن اینترنت کاملا تایید میشود. این دو رویکرد کاملا در تضاد با یکدیگر هستند. دیدگاههایی هستند که غرب را با تمام لوازم خود تایید میکنند و در مقابل دیدگاههایی هستند که غرب و تمامی موارد در ارتباط با آن را نفی میکنند. اما باید توجه داشت که ما در جلساتمان با این دو رویکرد به دلیل افراط و تفریطی که در خود دارند روبرو نیستیم. روی سخن ما با رویکرد آسیب شناسانه و رویکرد ابزاری است.

در رویکرد انتقادی، هدف، نقد ساختاری اینترنت به عنوان یک



تکنولوژی ارتباطی است. در این رویکرد رسانه فاقد از واقعیت موجود آن، بدین معنا که نگاه به اینترنت بما هو اینترنت است با یک نگاه فلسفی فلسفه رسانه‌های نقد میشود که چنین ادبیاتی در حال حاضر وجود ندارد. در نقد این منظر تنها سخن کسانی وجود دارد که غرب را به صورت کلی نفی میکنند همچون دیدگاه افرادی مانند دکتر فردید و تا حدودی دیدگاه دکتر داوری اردکانی و یا کسانی همچون آیت الله میرباقری که به صورت کلی غرب را نفی میکنند. شهید آوینی تا حدی در مبانی توسعه و فرهنگ، تمدن غرب را تعدیل میکنند به همین دلیل چنین نسبتی را نمیتوان به شهید آوینی وارد دانست.

انتقاداتی که به صورت ساختاری وارد میشود به چند دسته تقسیم میشود. در ابتدا مقایسه‌های میان هدف دین و هدف رسانه صورت میگیرد. خیر در نظامی که دین دارد چیست و خیر در نظامی که رسانه را به وجود آورده است چیست؟ خیر در نظام غرب سعادت بشر بما هو بشر با همان تفکر اومانیستی است. اما خیر در تفکر شیعی چیزی است که انسان را به کمال انسانی خود نزدیکتر نماید. برخی این هدف دین را با آن رسانه در تناقض میبینند به همین دلیل به نقد رسانه میپردازند. هدف دین تبدیل یک حیوان بالفعل به یک انسان است اما هدف غرب و تکنولوژی تبدیل یک حیوان بالفعل به یک حیوان کامل است. به دلیل





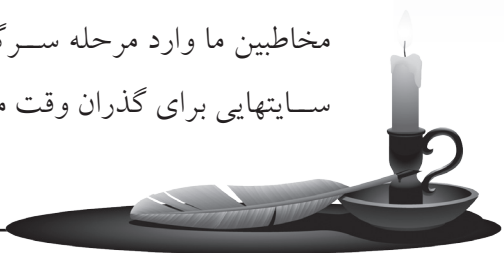
وجود نداشتن روح از این منظر، به صفات حیوانی پرداخته میشود. مطلب دیگر در نحوه فعالیت رسانه است. رسانه، دنیای خارج را بازنمایی میکند. به عبارتی آن را دوباره به نمایش میگذارد. در هنگام بازنمایش تصاویر، مجبور به نمایش مواردی است که در حالت عادی قابل نمایش نیستند. همچون احساس، عشق، معنویت، روحانیت و نزدیکی به خدا. برای نشان دادن این موارد مجبور به تبدیل آنها به تصویر است. به اجبار تصاویر ذهنی را که در دنیای واقعی وجود دارند تبدیل به تصاویر مادی مینماید تا بتواند آن را به مخاطب خود منتقل نماید. بدین صورت که امور معنوی را به امور مادی تبدیل میکند. به عنوان مثال، ابلیس موجود قابل نمایشی نیست اما رسانه برای نمایش دادن آن، به اجبار برای آن تصویر میسازد تا بتواند آن را به مخاطب منتقل نماید. اما در دین با جریانی عکس این عمل مواجه هستید. در دین گفته میشود که باید از مرزهای مادیات فراتر رفت، بدین معنا که هر ماده دارای یک وجود معنوی است. صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی. هدف دین در این است که واقعیات معنوی امور مادی را به ما نشان دهد. در این امر رسانه جریانی خلاف جریان دین دارد.

مطلب سوم نیز در ارتباط با مسیر سیر و سلوک است. علمای اخلاق همچون حضرت امام خمینی رحمه الله علیه اولین مسیر سیر و سلوک



کامل انسانی را تفکر میدانند در حالی که هدف یک رسانه این است که بیشترین ساعت ممکن را از مخاطب به خود اختصاص دهد. رسانه و صاحبان رسانه جریانی خلاف جریان دین ایجاد میکنند چرا که این امر خلاف تفکر است. رسانه در این مورد به مخاطبین خود جهت فکر دهی را القا میکند.

حاج آقا معتمدی: رسانه لایه رویی امور را در نظر میگیرد. به عنوان مثال خیال پردازی و تفکراتی در سطح پایین را نمایش میدهد. گفته شده است در صورتی که قصد پرداختن به علوم عقلی را دارید باید از فیلم و رمان دوری کنید چرا که در صورت پرداختن به این موارد، سطح تفکر شما به عمق نخواهد رفت و نحوه تفکر عمیق را نخواهید آموخت. رویکرد اصلی که ما با آن سر و کار داریم، رویکردی آسیب شناسانه است. بدین معنا که رسانه به طور کامل دارای اثرات منفی نیست اما در حال حاضر به دلیل نوع مخاطبین خاص ما، دارای اثرات بسیار منفی است. مخاطبینی که ما از آنها صحبت میکنیم سنینی در حدود راهنمایی و دبیرستان دارند. آیا استفاده از اینترنت برای مخاطبین خاص ما جایز است؟ به جرأت میتوان گفت که در اکثر موارد استفاده از اینترنت برای مخاطبین ما وارد مرحله سرگرم کنندگی میشود بدین معنا که به سراغ سایتهایی برای گذران وقت میروند. در موارد کمی میتوان دانش آموز





راهنمایی و یا دبیرستانی یافت که بیشتر از یک ساعت از اینترنت بهره علمی ببرد. میتوان گفت که در اکثر موارد مصرف رسانهای اینترنت یک آسیب شناسانه است بدین معنا که این استفاده همراه با یک آسیب است. این آسیب در دو زمینه اخلاقی و روانی قابل بررسی است. برخی از آسیبهای روانی این فعالیت در ادبیات غرب قابل مشاهده است و ما آن را به دو آسیب فردی و اجتماعی تقسیم نموده‌ایم.

یکی از آسیبهای روانی اجتماعی فرار از خود است. انسانها و به خصوص نوجوانان به محض ورود به اینترنت قصد فرار از شخصیت خود را دارند به این دلیل که وی هویت یاب است و در اینترنت این فرصت را دارد که هر هویتی که به آن علاقه دارد را برای خود در نظر گیرد. من با نوجوانهای بسیاری چت کرده‌ام که وی یک نوجوان ۱۵ ساله است اما خود را یک آدم ۲۳ ساله معرفی میکند تا خود را عاقلتر و منطقیتر جلوه دهد. این عمل نوعی از خود بیگانگی است. در مورد اعتقاداتش خود را ایده‌آل معرفی میکند. این عمل ممکن است برای یک نوجوان تبدیل به یک امر حاد گردد اگرچه برای افرادی هم سن و سال ما یک تفریح به حساب آید. یک نوجوان با این عمل این مطلب را بیان میکند که علاقه به چه شخصیت و صفاتی دارد اما این اتفاق در دنیای واقعی صورت نمیگیرد و به نحوی از میل به تغییری که در درون خود



دارد، اشباع میشود. این نوع بیان شخصیت غیر واقع از خود ممکن است دلایل دیگری از جمله علاقه به شخصیت‌های دیگر و ... داشته باشد که البته فرار از شخصیت خود، به نوعی حادث‌ترین مورد آن است.

بحث بعدی انواع خشونت است که در ادبیات رایج مصداق‌های فراوانی را میتوان برای آن یافت. خشونت جنسی و خشونت جسمانی. این قبیل موارد به نوعی آموزش و یا جذاب نشان دادن خشونت است.

اتفاق دیگری که ممکن است رخ دهد، ترس از جهان واقعی است و در کنار آن ممکن است انزوا نیز رخ دهد. این دو با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. اینترنت با برخی از کارکردهای خاص خود باعث عدم احساس نیاز فرد به برقراری ارتباط با دیگران در نیای واقعی میشود. به عنوان مثال شخصی در دنیای مجازی مانند یک وبلاگ از مشکلات خود مینویسد و افراد دیگر نیز با یکدیگر همفکری میکنند. اما این همفکری هیچ گاه به راه حل مناسب نخواهد رسید چراکه انسانهایی که مورد مشورت قرار گیرند لزوماً دلسوز این فرد نبوده و به علاوه هیچ نوع رابطه صمیمی واقعی میان آنها ایجاد نخواهد شد و این امر تنها منجر به دور شدن فرد از دنیای واقعی خواهد شد.

مطلب دیگر ایجاد تجربه‌های ناموفق در برقراری ارتباط است. در حدود ۸۰ درصد از افرادی که در این فضا مشغول به چت کردن هستند،





در گذشته با فردی رابطهای دوستی برقرار نموده‌اند و در آن شکست خورده‌اند و دوباره اقدام به انجام چنین عملی نموده‌اند. این امر منجر به این مطلب میشود که افرادی که در این دنیا تبحر پیدا میکنند، افرادی بسیار شکاک بوده و به دنیای مجازی به دیده بسیار خطرناک مینگرند که البته این نگاهی درست است. اما این مطلب باعث میگردد که این افراد به دنیای واقعی نیز به دیده شک و تردید بنگرند که آسیب بزرگی در این زمینه است. البته معمولاً در جلسات ما افرادی با این خصوصیات پررنگ دیده نمیشوند اما باید برای برخورد با این افراد نیز اطلاعات کافی در دست داشت. البته با پیشرفت تکنولوژی برخورد با این افراد بیشتر خواهد شد.

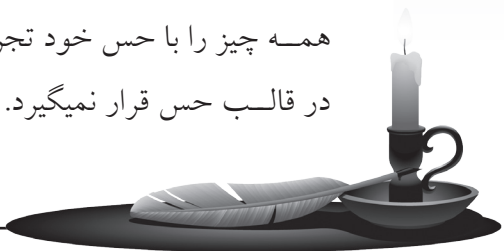
رویکرد بعدی یک رویکرد ابزاری است. بدین معنا که از آن هم میتوان در راه درست استفاده نمود و هم در راه اشتباه. این رویکرد را میتوان در جلسات برای برخی از افراد ارائه داد. این رویکرد به نحوی رایجترین رویکرد در جامعه است. به نظر من ارائه این رویکرد به یک دانش آموز راهنمایی درست نمیباشد اما ارائه آن به یک دانش آموز دبیرستانی که تا حدی معقول شده است، خالی از اشکال است بدین معنا که توصیه وی به استفاده از اینترنت با گوشزد نمودن مضرات آن خالی از اشکال خواهد بود.



رویگرد آخر نیز یک رویگرد تحسین آمیز است که به هیچ وجه توصیه نمیشود.

سوال: در ارتباط با هدف رسانه و به تصویر کشاندن معونیات از جمله بهشت و جهنم و فرشتهها سوالی مطرح میشود و آن این است که دین سعی در ارائه تصویری واقعی از این موارد در ذهن افراد دارد. دین نیز سعی میکند که چنین واقعیاتی را برای انسان ملموس و واقعی جلوه دهد و به نظر میرسد این عمل رسانه در راستای هدف دین واقع شده است و به هیچ وجه با آن تضادی ندارد.

آقا سید: یکی از دلایلی که دین سعی در ملموس نمودن برخی امور در نزد انسان دارد، مربوط به مادی بودن انسان است. انسان به صورت یک موجود مادی به دنیا میآید و به مرور حواس حسی آن رشد پیدا میکند و در کنار آن به شناختهای عقلانی و فراحسی وی توجهی نمیشود، بنابر این عامه مردم افرادی هستند که همه چیز را با خط کشهای حسی میسنجند. به همین دلیل است که تصور بسیاری از افراد از خدا، نوری در آسمان است و از فرسته موجودی با دو بال تعبیر میشود. این مطلب کمال انسان نیست اما واقعیت موجود جامعه انسانی است که تمایل دارد همه چیز را با حس خود تجربه کند حتی مواردی که عقلانی است و در قالب حس قرار نمیگیرد. خدا نیز اگر بخواهد به صورت عقلانی با





مردم برخوردار کند، بسیاری از درک آن موارد عاجز خواهند بود به همین دلیل خدا این موارد را تنزل می‌دهد و در قالب این موارد به مردم ارائه می‌دهد و البته در کنار آن نیز بیان میکند که در درون اینها مطلب دیگری جای دارد که فرای اینها است. روایت است که تعریف کردن دنیا بزرگتر از دیدن آن است و تعریف کردن آخرت کوچکتر از دیدن آن است. آنچه از دنیا تصور میشود بسیار بزرگتر از آن چیزی است که در واقعیت وجود دارد و آنچه از آخرت تصور میشود بسیار کوچکتر از آن چیزی است که در واقعیت وجود دارد.

پیام: یکی از تفاوت‌های کتاب دین ما با دیگر کتب آسمانی این است که در کتاب ما تصویر سازی صورت نگرفته است. بدین معنا که ساختن تصویر از یک مطلب برای هر فردی ممکن است. به عنوان مثال با ویژگی‌هایی که از بهشت بیان میکند، هر فردی توانایی ساختن تصویری مخصوص به خود را خواهد داشت. اما در دنیای مسیحیت مشاهده میکنیم که تصاویر مشخصی از بسیاری از موارد کشیده شده است و قدرت تصویر سازی را به مخاطبین خود نمیدهد. البته باید توجه داشت تصویر سازی از امور مادی همچون ظاهر پیامبر و اموری همچون بهشت و جهنم تفاوت دارد چراکه امور مادی در واقعیت، شکل و ظاهر مشخصی دارد. به علاوه نمیتوان گفت که هیچ نوع تصویر سازی

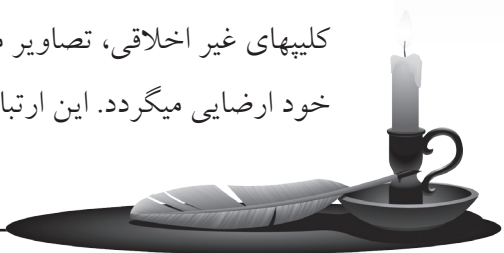


صورت نگرفته است بلکه تصاویری کلی شکل گرفته است که امکان بسط آنها توسط افراد وجود دارد.

یاسر ناظمنیا:

ادامه بحث در خصوص رویکرد آسیب شناسانه به رسانه و به خصوص اینترنت است. هدف ما در این بحث پرداختن به کارکردهای مثبت اینترنت نیست. استفاده هدفمند و آگاهانه از اینترنت به عنوان انجام یک تحقیق درسی منظور نیست. بلکه ارتباط بیهدف منظور است که باید به حواشی آن پرداخت.

به نظر ما ارتباط بیهدف یک دانش آموز با اینترنت به دو حالت رخ میدهد. یک، ارتباط فعال "Active" و دیگری ارتباط منفعل "Passive" است. متأسفانه تصاویری که در گذشته به سختی در اختیار نوجوانان قرار میگرفت، امروزه به راحتی در صفحه اول یاهو دیده میشود و در اختیار همگان قرار دارد. فیلترها، برای مخاطبین خاص ما که دارای سواد رایانه‌ای هستند قابل شکستن است. تعریف ما از ارتباط منفعل ارتباطی است که در آن کاربر، تنها، گیرنده اطلاعات است و اطلاعاتی از خود (چه درست و چه نادرست) ارسال نمیکند. این ارتباط شامل کلیه‌های غیر اخلاقی، تصاویر مستهجن و ... است و در نهایت منجر به خود ارضایی میگردد. این ارتباط عموماً در یک حیطه شخصی صورت

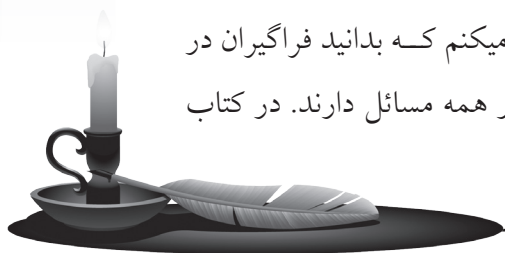




میگیرد و این تجربه به لحاظ اجتماعی ناخوشایند است و فرد توانایی بازگو نمودن آن را برای دوستان خود نخواهد داشت. این نکته برای ما بسیار حائز اهمیت است چراکه شخص گرفتار به این عمل توانایی انتقال تجربیات خود به دیگران را نخواهد داشت. این عمل در یک بازه زمانی بسیار کوتاه رخ میدهد و فرد به سرعت توانایی بازگشت به زندگی عادی خود را دارد. این عمل کاملاً در حیطه شخصی فرد صورت میگیرد.

به این دلیل که فضای جلسات ما دینی است امکان تبادل عکس، فیلم، سایت و دیگر موارد در میان فراگیران به ندرت رخ میدهد. نکته منفی در این ارتباط این است که جامعه در این مورد کاملاً سانسور شده است و هیچ کس حتی مدارس، رسانهها و ... از این مسئله سخنی به میان نمیآورند. متأسفانه با توجه به آمار بالایی که در میان افراد مبتلا به این قضیه وجود دارد ما باید به نحوی هنرمندانه در جلسات خود با این قضیه برخورد نماییم.

متأسفانه یک نوجوان ۱۳ ساله امروزی با برخورد با یک فیلم و یا یک سایت، در حد یک جوان ۲۷ ساله گذشته، اطلاعات جنسی کسب میکند. این سخنان را از این جهت بیان میکنم که بدانید فراگیران در جلسات، به احتمال زیاد اطلاعات کافی در همه مسائل دارند. در کتاب



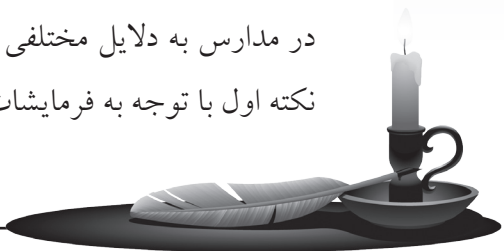
دنیای نوجوان دکتر شریفی، آماری در این خصوص ارائه شده است که متأسفانه بسیار شایعتر از حد انتظار ما است.

برخورد ما در این قضیه ابتدا یک تذکر کلی در جلسه و اشاره به خود رضایی و مضرات آن است. برخورد اول با هر قضیه نامناسبی اگر به صورت یک مسئله ناهنجار باشد، بسیار مناسبتر خواهد بود تا اینکه با آن به عنوان یک قضیه هیجان انگیز روبرو گردید. در ارتباط با این قضیه نیز این چنین است. بهتر است که فراگیر با این قضیه به عنوان یک امر ناهنجار توسط مربی خود آشنا شود بجای اینکه از طریق دوستان خود با آن آشنا شود. میبایست بعد از تمام شدن بحث احکام باید این قضیه مطرح شود.

حاضرین در جلسه: مطرح نمودن این قضیه برای دانش آموزان راهنمایی بسیار خطرناک است. بدین صورت آنها را با این عمل آشنا میکنیم و ممکن است آنها را تشنه انجام چنین عملی نماییم. با ارائه اطلاعات در این خصوص، نباید برای فراگیران انگیزه ورود به این بحث را ایجاد نماییم.

آقای نقیثزاد:

در مدارس به دلایل مختلفی نمیتوان چنین مسائلی را مطرح نمود. نکته اول با توجه به فرمایشات آقای ورهرام این است که شاید عدهای





به راستی با این قضیه آشنا نباشند. من شاگردان بسیاری دیده‌ام که مشغول به ترک این عمل هستند و برنامه هر روز خود را با من هماهنگ میکنند. اما شاگردانی نیز هستند که به راستی از این عمل هیچ اطلاعی ندارند. بیان این مطلب در جمع باعث می‌گردد که آن افراد نیز از این مسئله مطلع گردند.

محمد حسین نوید: به نظر میرسد روشی که آقای نقینژاد در پیش گرفته‌اند بسیار مناسبتر است. بهتر است به صورت خصوصی و فردی در این ارتباط با فراگیران سخن گفت بجای اینکه در جمع در خصوص آن صحبت شود. صحبت به صورت فردی این امکان را فراهم می‌آورد که با توجه به شرایط زمانی هر شخص و نیز شرایط خانوادگی و شخصی وی، بتوان راه حلی مناسب با او بیان نمود.

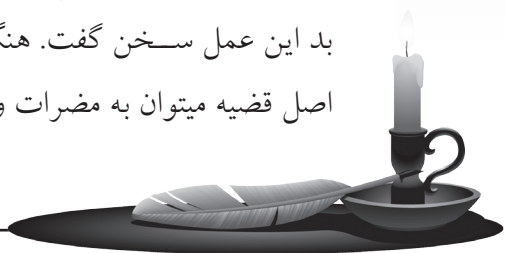
مهران ناظمینا: ما در جلسات، این عمل را تحت عنوان کنترل شهوت مطرح میکنیم. بدین صورت افرادی که با آن آشنا هستند متوجه موضوع خواهند شد و به هیچ وجه نباید اسم خود ارضایی را آورد.

در کتاب دکتر شریفی آمده است فردی که پنج بار در روز چنین عملی را انجام دهد، میتواند به وی عنوان معتاد تلقی نمود. در قبال چنین فردی باید به صورت شخصی و مستقیم وارد صحبت شد و نمیتوان انجام این عمل را بر عهده پدر و مادر قرار داد.



دکتر ورهرام: مربی که با شاگرد خود وارد چنین فضایی میشود، باید بداند که برای وی حکم مربی را نخواهد داشت و دیگر اثر تربیتی خود را از دست خواهد داد. به این دلیل که حرمت آن فراگیر در برابر مربی از بین رفته است و دیگر نمیتوان بر روی او تاثیرات تربیتی گزارد. به عنوان مثال من یک دانش آموز دروغگو هستم. به محض اینکه بدانم مربی نیز من را یک انسان دروغگو میدانند، جایگاه و احترام من در برابر وی از بین رفته است. من در نگاه مربی کوچک شده‌ام و نمیتوانم از وی تاثیرات تربیتی بگیرم. اما روش برخورد با این قضیه بدین گونه است که هنگام آگاهی مربی از این قضیه (خود ارضایی فراگیر)، باید فرد دیگری به عنوان مشاور برای ترک این عمل وارد شود.

در یکی از دبیرستانها شخصی که متولی مباحث اخلاقی در این دبیرستان بود برای من تعریف میکرد که وی ارتباط موثر اخلاقی را با دانش آموزان برقرار کرده بود. در ضمن کلاس اخلاق، یکی از مباحثی را که مطرح کرده بود همین عمل بوده است. از آنجایی که شاگردان در کلاسهای اخلاق یک هویت ارزشی را پیدا کرده‌اند، همانند همان عملی که ما در جلساتمان انجام میدهیم، به راحتی میتوان در ارتباط با تاثیرات بد این عمل سخن گفت. هنگام بیان قبح این قضیه، بجای پرداختن به اصل قضیه میتوان به مضرات و تاثیرات منفی آن در زندگی اشاره کرد





تا بتوان به صورت غیر مستقیم با آن مقابله نمود.
از آنجایی که ویژگیهای هر شخص با دیگری تفاوت دارد و به علاوه شرایط خانوادگی هر فرد با دیگری متفاوت است نمیتوان برای یک عمل واحد، نسخه واحدی در نظر گرفت اما به طور کلی باید در نظر داشت که:

نباید کرامت فرد در مقابل مربی از بین برود، نباید به گونهای رفتار نمود که شخص از رویارویی با مربی خود ترس داشته باشد. در برخورد با این قضیه بهتر است از شخص ثالثی کمک گرفت تا حرمت میان مربی و فراگیر همچنان حفظ شود همانند مطرح نمودن قضیه بلوغ که ما برای بیان آن از آقای معتمدی کمک گرفتیم.

میبایست راهکارهایی برای ترک و یا بیشتر کردن فاصله زمانی خود ارضایی بیان نمود.

باید در این عمل، از انتقال تجربه یک فرد به دیگران خودداری نمود. در مسائل خود ارضایی و نیز اینترنت باید مراقب بود که افراد تجربیات خود را به دیگران منتقل نکنند.

محیط خانواده باید به گونهای باشد که انجام چنین عملی در آن امکان پذیر نباشد. در محیط خانه لزومی ندارد که شخص یک اتاق شخصی در بسته برای خود داشته باشد.



سوال: آیا از نظر شرعی ما مکلف هستیم که مانع خود ارضایی دیگران شویم؟

شاید بتوان این مورد را از مصادیق نهی از منکر نامید.

سوال: روایتی نقل شده است که امیر المومنین از جایی عبور میکردند و جوانی را دیدند که چنین عملی را انجام میدهد. برخورد حضرت این گونه بوده است که یک حد مختصری را بر وی میزنند و بعد از آن پولی از بیت المال اختصاص میدهند تا وی ازدواج نماید. آیا به لحاظ روایی ما باید جلوی چنین عملی را بگیریم؟

هنگامی که این عمل تبدیل به یک منکر میشود و ما از آن مطلع میشویم و به علاوه با لطایف الحیلی میتوانیم با آن مقابله نمایم، با توجه به وظیفهای که در قبال تربی خود داریم، میبایست با انجام چنین عملی مقابله نماییم تا به منکر بزرگتری تبدیل نشود. انجام چنین عملی برای ما واجب است.

به نظر میرسید با توجه به مطرح نشدن چنین مبحثی در میان مباحث موسسه، میبایست مقداری از زمان خود را به آن اختصاص میدادیم. اما باید در نظر داشت که بحث اصلی ما همان اینترنت و نحوه ارتباط با آن است.

ارتباط منفعل را تشریح نمودیم و باید به ارتباط فعال پردازیم. ارتباط





فعال، ارتباطی است که کاربر، اطلاعاتی از خود را در اختیار دیگران قرار میدهد. چت، وبلاگ و به طور کلی سایت‌های شاخه‌های که در ابتدا ارکات بود و در حال حاضر، های فایو است و ... در این شاخه قرار میگیرند. بهترین نمونه ایرانی آن، کلوب است چراکه از نظر نرم افزاری بسیار قدرتمند است و امکانات جالبی در خود دارد.

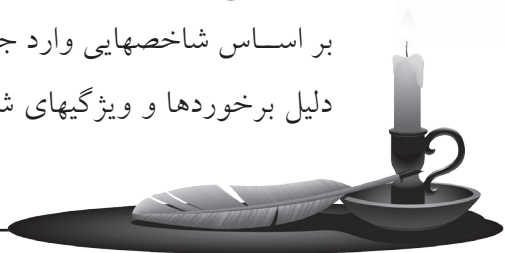
این ارتباط در یک فضای تقریباً حقیقی ایجاد میشود و میتوان بیان نمود که تاثیرات بسیاری در زندگی فرد دارد و منجر به ارتباط با یک جنس مخالف خواهد گردید. این بحث با خود ارضایی بسیار تفاوت دارد. این قضیه میتواند سرنوشت زندگی یک فراگیر را تغییر دهد. این ارتباط ویژگیهای بسیاری دارد از جمله اینکه برای یک شخص مذهبی که در دنیای حقیقی چنین عملی را انجام نمیدهد، به راحتی به وجود میآید. بدین صورت که به راحتی میتوان با شخص مقابل صحبت نمود. در دنیای حقیقی برای چنین صحبتی، تلاشهای بسیاری نیاز است اما در این دنیا، به راحتی و بدون هیچ گونه مقدمه‌های میتوان چنین عملی را انجام داد. بر خلاف حالت منفعل، بیشتر آسیبها در حیطه عاطفی است و نه جنسی. این دوستی پنهان منجر به آسیبهای عاطفی شدید در زندگی فرد میگردد.

در برخورد با این قضیه بر خلاف عمل خود ارضایی باید به صورت



مستقیم وارد شد. برای برخورد با این قضیه باید به فراگیران نزدیک شد. باید به گونهای با فراگیر برخورد نمود که او متوجه گردد که ما به عنوان مربی از این قضایا اطلاع داریم. این قضیه از آن جهت اهمیت دارد که اگر برای فراگیر یک جریان عاطفی به وجود آمد، باید امکان مشورت وی با مربی فراهم گردد.

دکتر ورهرام: من در عمل به این نتیجه رسیده‌ام اگر با یک فراگیر به صورت مستقیم در ارتباط با یک منکر برخورد شود و مربی با وی به صورت مستقیم صحبت نماید، حرمت میان آن دو شکسته خواهد شد و به نحوی فراگیر از حضور در جلسات خودداری مینماید. رسالت ما در جلسات، برخورد با این گونه معضلات نیست. برای حل این مسائل باید از روش دیگری استفاده نمود. این گونه برخورد میان مربی و متربی همانند ارتباط افراد مسیحی با یک کشیش است که گناهان خود را برای وی بازگو میکنند. شکسته شدن حریم میان این دو به هیچ عنوان اثر تربیتی لازم را نخواهد گذاشت. در ادبیات دینی به این مطلب صحه گذاشته شده است که منکر را فقط با خدای خود در میان بگذارید و به هیچ عنوان با شخص دیگری مطرح نکنید. ما فراگیران خود را بر اساس شاخصهایی وارد جلسات میکنیم. اگر بدانیم که شخصی به دلیل برخوردها و ویژگیهای شخصیتی، شایستگی حضور در جلسات





را نخواهد داشت، به هیچ عنوان برای نگهداری وی پافشاری نمیکنیم.

سوال: آیا ما باید به گونهای رفتار نماییم که به قول معروف متربی در برابر ما به گونهای به کارهای ناشایست خود اعتراف نماید؟

دکتر ورهرام: این عمل نباید در برابر مربی ایجاد شود، بلکه باید فرد دیگری همچون کممربی را برای این کار در نظر گرفت.

مهران ناظمینیا: در حال حاضر، افراد چت کردن با یک دختر را منکر نمیدانند. برای برخورد با این قضیه قبل از ورود وی در مشکلات عاطفی، باید مضرات این عمل را بیان نمود. به علاوه در روایات هم آمده است که شخصی در ارتباط با منکر خود، با پیامبر سخن میگوید و پیامبر سخن وی را قطع میکنند. این عمل بدان جهت است که فرد میبایست این گونه سخنان را تنها با خدای خود در میان بگذارد.

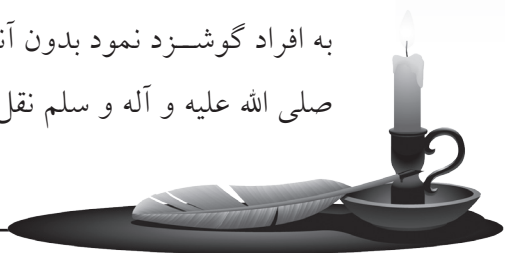
به نظر میرسد مناسبترین راه این است که هنگام مواجهه با چنین مسائلی از شخص سومی به عنوان مشاور استفاده نمود.

پیام: در برخورد با این گونه مسائل باید در نظر داشت که این موارد همگی نسبی هستند و با توجه به جلسات و افراد مختلف، متفاوت میباشند. یکی از شاگردان آقای مهران ناظمینیا برای من تعریف میکرد که هنگام طرح قضیه شراب خواری در جلسه، قبح این قضیه آنقدر خوب بیان گردید که ما به هیچ وجه حتی به انجام آن فکر نمیکردیم و انجام



این عمل حتی به ذهن ما خطور هم نمی‌کرد، هرچند در اطراف من انجام چنین عملی بسیار رواج داشت اما با توجه به مطالبی که در جلسه بیان شده بود به هیچ وجه به سراغ آن نرفتم.

آقای معتمدی: جلسات ما باید کارکرد ویژه‌ای در میان فراگیران داشته باشد و آن ایجاد تقوا در میان آنها است. ایجاد تقوا همچون یاد دادن ماهیگیری بجای دادن ماهی به آنها است. تقوای فرد بعد از ورود به جلسه باید نسبت به قبل از آن افزایش پیدا کند. گناه باید در نظر وی بسیار بد جلوه نماید. اگر فضای جلسات ما با فضای جامعه متفاوت نباشد، به هیچ عنوان اثر مناسب خود را نخواهد داشت. مربی از روی آگاهی و اخلاص باید به گونهای رفتار نماید که فراگیر برای انجام بسیاری از اعمال برای خود حریمی ایجاد نماید و به هیچ عنوان به سراغ آنها نرود. در دین در مورد برخی اعمال آمده است که "لا تقربوا"، در ارتباط با برخی از اعمال می‌گوید که گناه نکنید اما در موارد دیگر می‌گوید حتی نزدیک آن هم نشوید. یکی از کارکردهایی که دعا در جلسات دارد در ابتدا نزدیک نمودن خدا به افراد است. نزدیک شدن خدا منجر به افزایش تقوا می‌گردد. به علاوه در قالب دعا میتوان بسیاری از تذکرات را به افراد گوشزد نمود بدون آنکه آفتی در پی داشته باشد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که اگر شخصی کار اشتباهی انجام





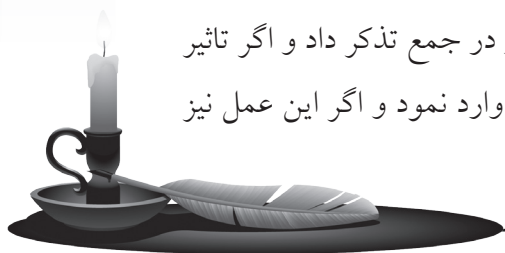
میداد، در جمع به صورت کلی تذکر میدادند و به هیچ عنوان حرمتی شکسته نمیگردید.

تجربه من این گونه نشان داده است که هنگام بیان این مسائل باید به گونهای بسیار جدی رفتار نمود تا از لوس شدن قضیه جلوگیری شود. هنگام بیان این مطالب باید قبح قضیه و نیز روشهای برخورد با آن را بیان نمود بدون آنکه حرمتی شکسته شود.

سوال: گاهی شخصی ارتباطی پیدا میکند، اما آن ارتباط تنها با حیطه شخصی وی مرتبط است و اثری بر روی افراد دیگر نمیگذارد. چگونه میتوان متوجه شد که آیا این فرد دیگران را به دنبال خود خواهد کشاند و یا تنها به خود لطمه میزند؟

اگر میان مربی و فراگیران ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد، به نحوی این گونه موارد به گوش مربی خواهد رسید و وی از این مطالب اطلاع پیدا خواهد کرد.

افراد معمولاً در میان خود، تیمهای درون گروهی تشکیل میدهند و مربی میبایست بر روی این موارد نظارت داشته باشد. به محض مواجهه با رفتارهای ناهنجار باید احساس خطر نمود و با آن مقابله نمود. برای برخورد با این موارد بهتر است چند بار در جمع تذکر داد و اگر تاثیر مناسب را پیدا نکرد، شخص سومی را وارد نمود و اگر این عمل نیز



مفید نباشد باید شخص خاطی را از جلسه خارج نمود تا بتوان محیط جلسه را حفظ نمود.

دکتر وهرام: اگر فضای جلسه به صورتی که آقای معتمدی بیان نمودند، باشد میتوان اطمینان داشت که این موارد به هیچ عنوان پیش نمیآید و یا نهایتاً در روابط غیر رسمی میان افراد به وجود میآید. اگر بخواهیم بیش از اندازه وارد زندگی نوجوانان بشویم، به راحتی نمیتوانیم از آن خارج گردیم. نباید به دنبال این بود که مسائل انسانها را موشکافانه بررسی نمود. این گونه رفتار وظیفه مربی نیست. ما باید افراد را به در خانه انبیا و اهل بیت علیهم السلام ببریم و از آنها بخواهیم که افراد را هدایت نمایند. گاهی اوقات حب نفس مریبان است که باعث موشکافی در مسائل افراد میشود. باید فضای جلسات معنوی باقی بماند، هنگامی که افراد وارد جلسه میشوند بدین معنا است که علاقه دارند که مصلح شوند، علاقه دارند که خود را تغییر دهند. ما باید به آنها کمک کنیم، ما باید شیوه دعا کردن را به آنها آموزش دهیم.

